



بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی (زنان) با تمایل آنها

به کارآفرینی در سازمان ها و ادارات دولتی شهر شیراز

دکتر عبادا... احمدی^{۳۲} - حمیدرضا محمدی^{۳۳}

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی و توصیف ویژگی های شخصیتی (زنان) در سازمان ها و بررسی تمایل آنها به کارآفرینی و همچنین تحلیل رابطه آن دو با یکدیگر می باشد. روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان سازمان های دولتی شهر شیراز می باشد که تعداد آنان ۳۵۹ نفر بودند و با استفاده از روش طبقه ای تصادفی، متناسب با حجم طبقه تعداد ۱۵۳ نفر به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه محقق ساخته شخصیت و کارآفرینی به ترتیب شامل ۳۵ و ۵۴ سؤال بسته پاسخ بر اساس مقیاس هفت درجه ای لیکرت بود. اعتبار پرسشنامه شخصیت و کارآفرینی بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۱ برآورد گردید. پس از جمع آوری داده ها فرضیه های تحقیق از طریق ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی، ضریب همبستگی اسپیرمن و با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین ویژگی های شخصیتی (زنان) با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد، لذا پیشنهاد می شد، به دلیل اینکه ویژگی های شخصیتی (زنان) با کارآفرینی ارتباط دارند، شناخت ویژگی ها و خصایص شخصیتی در زنان بر روی کارآفرینی تأثیر گذاشته و با تقویت این ویژگی ها می توان کارآفرینی را در زنان افزایش داد.

کلید واژه ها: شخصیت، ویژگی های شخصیتی، زنان، کارآفرینی.

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مروودشت

^۲ - کارشناس ارشد مدیریت دولتی



مقدمه

شخصیت یک مفهوم انتزاعی است و متخصصان مختلف تعاریف متفاوتی را برای آن ذکر نموده اند. اما به نظر می آید که اکثراً با این موضوع موافق هستند که شخصیت، ترکیبی از اعمال، افکار، هیجانات و انگیزش های فرد است. شخصیت افراد منحصر به فرد می باشد؛ اما شخصیت افراد مختلف دارای وجوه اشتراک خاصی است. بنابراین شخصیت را می توان از این جهت که چگونه مردم با هم متفاوت هستند و یا اینکه در چه چیزی به همدیگر شباهت دارند مورد مطالعه قرار داد (راس، ۳۴، ۱۳۷۳، ص ۱۷).

بعلاوه تفاوت های بین افراد نقش بسیار مهمی در تعیین مشاغل آنان دارد. برخی افراد ریسک پذیرند و تعدادی از ریسک گریزان، برخی قدرت طلبند و برخی خیر، در بسیاری از افراد انگیزه پیشرفت بالا و در بسیاری از افراد بالعکس. با اندکی توجه درمی یابیم که این تفاوت ها ناشی از شخصیت افراد می باشد. بدون آگاهی دقیق نسبت به شخصیت افراد قادر نخواهیم بود بین شخصیت و شغل هماهنگی ایجاد کنیم و این مشکلی است که سازمان های بسیاری با آن دست به گریبان هستند (مشبکی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷).

بنابراین بعضی از این ویژگی ها یا خصوصیات در مردان و زنان از یکدیگر متفاوت می باشد. برخی از ویژگی ها که بویژه در زنان وجود دارد باعث کم رنگ شدن کارآفرینی و خلاقیت در سازمان های دولتی شده است و این خودمی تواند منجر به وضعیت نابهنجار بیکاری، مشکلات و نارسایی ها در سازمان ها و پیشرفت جامعه باشد. بنابراین، افراد بسته به اینکه از نظر ویژگی های شخصیتی چگونه هستند در موقعیت های مختلف به صورت های مختلف عمل می کنند و این تفاوت ممکن است در گروه های مختلف مثل زنان و مردان و ... نیز مشاهده شود. برخی از ویژگی های شخصیت زنان که می تواند کارآفرینی را تحت تأثیر قرار دهد عبارتند از: اعتماد به نفس، موفقیت طلبی، شیوه رهبری، مردم گرایی، آینده گرایی، ریسک پذیری و ترس از موفقیت می باشد و این ویژگی های باعث کم رنگ شدن کارآفرینی زنان می شود.



پیشینه تحقیق

تحقیق معروف آلینک (۱۹۶۷) بر روی ۱۹۰۰ نفر از مدیران یکی از برجسته ترین تحقیقات علمی انجام شده در خصوص ویژگی های شخصیتی و میزان موفقیت شغلی است. نتیجه تحقیقات بیانگر آن است که مدیران از افراد معمولی برونگرتر هستند و میزان روان رنجوری در آنها پایین تر است (علم خانی، ۱۳۸۴).

پیرمرادی (۱۳۸۶) در رابطه با همبستگی بین خصوصیات شخصیت با موفقیت شغلی، تحقیقی را بر روی فروشندگان نان انجام داد و به این نتیجه رسید که فروشندگان موفق در پرسشنامه ۱۶ عاملی (۱۶PF) کتل، روی عامل خونگرمی، خوش صحبتی و نیرومندی خود، نمره بالا کسب می کنند، به با زبان ساده تر، آنان خونگرم، حراف و از نظر عاطفی با ثبات و مقاوم هستند.

فرانکی (۱۹۸۰) بررسی هایی را بر روی ۱۹۳ کتابدار دانشگاهی انجام داد و به این نتیجه رسید که آنها تمایل کمتری برای رهبری، جسارت در انجام امور، کنش اجتماعی، تغییرات و اعتماد به نفس دارند و نسبت به پرخاشگری تمایل ندارند.

بلاردو در سال ۱۹۸۴ بر روی کاوشگران online که از شش کتابخانه مدارس مختلف به منظور سنجیدن رابطه ی بین کارایی و سطح خلاقیت و هوش و نیز ویژگی های شخصیتی آنان، با توجه به جنسیت و اعتماد به نفس آنان، انتخاب شده بودند، انجام داد. یافته ها حاکی از آن است که اختلافات در کارایی کاوش با استعداد و خلاقیت هنری همبستگی کمی دارد، بنابراین رابطه پیش بینی کارایی در کاوش، باهوش و ویژگی های شخصیتی مورد تردید قرار گرفت (قربانی، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

فراست و کلاسیون^{۳۵} به بررسی و سنجش میزان عزت نفس و استرس مرتبط با رویدادهای زندگی و مکان کنترل در زنان شاغل و خانه دار پرداختند.



نتایج تحقیق آنها نشان داد که شاغل نبودن میزان عزت نفس زنان را کاهش می دهد و شاغل نبودن سوگیری مکان کنترل خود را به سمت خارج افزایش می دهد. ولی ارتباط معناداری بین شاغل نبودن و افزایش میزان استرس به واسطه تجربه تغییرات مهم زندگی وجود نداشت (حافظ شعرباف و حسینیان، ص ۷۷).

مسعود نیا (۱۳۸۱) در مقاله خود تحت عنوان «ارزیابی رویکرد شخصیتی - خصیصه ای برای سنجش کارآفرینی»، در این تحقیق مجموعه ای از متغیرهای روانشناختی (۱۲ متغیر) که فرض می شد عوامل ممیزه کارآفرینان از غیر کارآفرینان باشند به آزمون گذاشته شده اند. این متغیرها عبارت بودند از: خودکار بودن، احساس نسبت به دیگران، رهبری، مسئولیت پذیری، پشتکار، انرژی، ریسک پذیری، استقلال، منبع کنترل، عزت نفس و انگیزه پیشرفت. نتایج حاصل نشان داد که از بین متغیرهای فوق الذکر، فقط در سه متغیر، یعنی انرژی فیزیکی، منبع کنترل و انگیزه پیشرفت، بین دو گروه تفاوت وجود داشته است.

تحقیقات دکتر نمکی و خانم اریتسن و خانم بییر در زمینه مدیریت کارآفرینی در خصوص زنان انجام شده که نتایج آن از این قرار است:

الف) اعتماد به نفس: همانطور که تحقیقات قبلی در آمریکا و اروپا نشان داده زنان کارآفرین نسبت به مردان اعتماد به نفس کمتری دارند.

ب) موفقیت طلبی: نتیجه تحقیقات انجام شده در این مورد زیاد با هم سازگار نیست ولی علیرغم اعتقاد قبلی که زنان بیشتر به وابستگی احتیاج دارند تا به پیشرفت این تحقیق نشان می دهد که نیاز به پیشرفت مدیران زن همتر از مدیران مرد است ولی نیاز به پیشرفت زنان کارآفرین بیشتر از زنان مدیر است.

ج) رهبری: علم رگم اعتقاد قبلی که بیانگر اختلاف روش رهبری مردان و زنان بود یعنی مردان بیشتر رهبر وظیفه گرا و زنان بیشتر رهبر فردگرا شناخته می شدند - نتیجه تحقیقات امروزه که زیاد هم با هم سازگار نیستند نشان می دهد که رهبری مردان و زنان کمی با هم فرق دارد ولی نه در همه موارد بلکه فقط در سبک رهبری.



د) مردم گرایی: نتیجه تحقیقات بیانگر این است که خانم ها برعکس آقایان به مردم به چشم وسیله ای برای رسیدن به هدف نگاه نمی کنند و نیز برعکس مردان نمی توانند نقش خودشان را به عنوان یک شخصیت و یک کارمند به روشنی تقسیم و مجزا کنند بنابراین نسبت به بازخوردهای منفی آن طور که آقایان براحتی واکنش نشان می دهند خانم ها از خود عکس العمل بروز نمی دهند.

ه) آینده گرایی: نتیجه تحقیقات نشان می دهد که مردان بیش از زنان آینده گرا هستند.

و) ریسک پذیری: تحقیقات نشان می دهد که مردان بیش از زنان ریسک پذیر هستند و خانم ها نسبت به ریسک، انفعالی عمل می کنند.

ز) ترس از موفقیت: تحقیقات نشان می دهد که ترس از موفقیت نه تنها در مورد همه زنان صدق نمی کند بلکه در بعضی از مردان نیز ترس از موفقیت وجود دارد (احمد آقایی، ۱۳۷۸، ص ۴۴).

بنابراین تحقیق حاضر در پی پاسخ مناسب به این سؤال است که آیا بین ویژگی های شخصیتی (زنان) با تمایل آنها

به کارآفرینی در سازمان ها و ادارات دولتی شهر شیراز رابطه ای وجود دارد یا خیر؟

بر اساس پرسش یاد شده هفت فرضیه به شرح زیر مطرح گردیده است:

فرضیه اول: بین اعتماد به نفس با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین موفقیت طلبی با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین شیوه رهبری با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مردم گرایی با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین آینده گرایی با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

فرضیه ششم: بین ریسک پذیری با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین ترس از موفقیت با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.



روش

پژوهش حاضر، با توجه به موضوع، هدف، فرضیات و اطلاعات مربوط به آن توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. لازم به ذکر است، پژوهش حاضر از نظر هدف جز تحقیقات کاربردی است، که به شیوه تحقیقات میدانی انجام گرفته است.

آزمودنی ها: جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان سازمان ها و ادارت دولتی شهر شیراز در سال ۸۷-۱۳۸۶ که تعداد آنان ۳۵۹ نفر بوده اند، تشکیل می دهد. با استفاده از روش نمونه گیری طبقه بندی شده، تعداد ۱۵۳ نفر انتخاب شده است.

ابزار

در این پژوهش، به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز، از دو پرسشنامه استفاده گردید. پرسشنامه (الف) که برای سنجش ویژگی های شخصیتی (زنان) مورد استفاده قرار گرفته است و شامل ۳۵ سؤال می باشد که ویژگی های شخصیتی (زنان) بر اساس ابعاد (اعتماد به نفس، موفقیت طلبی، شیوه رهبری، مردم گرایی، آینده گرایی، ریسک پذیری و ترس از موفقیت)

می باشد، می سنجد و به صورت طیف ۷ گزینه ای لیکرت طرح ریزی گردید.

پرسشنامه (ب)، برای سنجش میزان کارآفرینی مورد استفاده قرار گرفته است و شامل ۵۴ سؤال که به صورت مقیاس ۷ درجه ای لیکرت طرح ریزی گردید.

به منظور تعیین پایایی ابزار سنجش، از روش آزمون مجدد استفاده گردید. پرسشنامه ها در دو نوبت، به فاصله ده روز بین یک نمونه ۳۰ نفره توزیع و جمع آوری شد. آنگاه همبستگی بین نمره مرتبه اول و دوم با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ضریب پایایی برای پرسشنامه (الف) به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۸ و برای پرسشنامه (ب) به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۱ محاسبه گردید.



به منظور تعیین و حصول اطمینان از روایی پرسشنامه ها، از نظرات شش نفر از اساتید و اعضای هیأت علمی استفاده شده که درباره مناسب بودن گویه های پرسشنامه، مبنی بر سنجش ویژگی های شخصیتی و کارآفرینی اظهار نظر نمایند. پس از محاسبات انجام شده، میزان روایی پرسشنامه ویژگی های شخصیتی ۰/۸۸ و میزان روایی پرسشنامه کارآفرینی ۰/۹۰ به دست آمد.

شیوه تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش جهت توصیف داده های جمع آوری شده، از انواع شاخص های آماری، از جمله فراوانی، انواع جداول و نمودارها استفاده گردیده است. و همچنین از ضریب همبستگی پیرسون، مدل رگرسیون خطی، ضریب همبستگی اسپیرمن جهت آزمون فرضیه ها استفاده شده است. کلیه تحلیل های آماری بوسیله نرم افزار کامپیوتری SPSS انجام شده است.

یافته ها

برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش حاضر از روش های آمار توصیفی برای نشان دادن شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی مانند میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. همچنین برای نشان دادن رابطه بین ویژگی های شخصیتی و کارآفرینی و بررسی معنی داری فرضیه های پژوهش از معتبرترین روش معنادار بودن ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید (دلاور، ۱۳۷۵).

جدول زیر محاسبه میزان همبستگی و معنی داری هر یک از فرضیه ها را در ارتباط با کارآفرینی نشان می دهد:



جدول ۱- محاسبه میزان همبستگی و معناداری آن

مقیاس	شاخص	تعداد	همبستگی		سطح معناداری	
			ضریب پیرسون	ضریب اسپیرمن	پیرسون	اسپیرمن
کارآفرینی ویژگی های شخصیتی		۱۵۳	۰/۳۵۹	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		۱۵۳				
کارآفرینی اعتماد به نفس		۱۵۳	۰/۲۴۱	۰/۲۲۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵
		۱۵۳				
کارآفرینی موفقیت طلبی		۱۵۳	۰/۱۶۷	۰/۱۹۶	۰/۰۳۹	۰/۰۱۵
		۱۵۳				
کارآفرینی شیوه رهبری		۱۵۳	-۰/۰۲۲	-۰/۰۲۱	۰/۷۹۲	۰/۸۰۰
		۱۵۳				
کارآفرینی مردم گرایی		۱۵۳	۰/۲۷۹	۰/۲۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸
		۱۵۳				
کارآفرینی آینده نگری		۱۵۳	۰/۱۰۸	۰/۰۷۱	۰/۱۸۴	۰/۲۸۶
		۱۵۳				
کارآفرینی ریسک پذیری		۱۵۳	۰/۳۶۸	۰/۳۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		۱۵۳				
کارآفرینی ترس از موفقیت		۱۵۳	۰/۱۵۶	۰/۰۸۰	۰/۰۵۴	۰/۳۲۳
		۱۵۳				

توضیحات جدول ۱:

فرضیه اصلی: بین ویژگی های شخصیتی (زنان) با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی

پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با ۰/۳۵۹ و ۰/۲۹۴ و سطح معناداری هر کدام ۰/۰۰۰ (کمتر از ۰/۰۵)

محاسبه شده است. پس می توان نتیجه گرفت، که بین ویژگی های شخصیتی (زنان) با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه معنادار

مثبت وجود دارد.



فرضیات فرعی:

فرضیه اول: بین اعتماد به نفس زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با $0/241$ و $0/228$ و سطح معنا داری به ترتیب $0/03$ و $0/005$ (کمتر از $0/05$) محاسبه شده است. پس می توان نتیجه گرفت، که بین اعتماد به نفس زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه معنادار آماری از نوع مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش اعتماد به نفس زنان، تمایل آنها به کارآفرینی هم افزایش می یابد.

فرضیه دوم: بین موفقیت طلبی زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با $0/167$ و $0/196$ و سطح معناداری به ترتیب $0/039$ و $0/015$ (کمتر از $0/05$) محاسبه شده است. پس می توان نتیجه گرفت، که بین موفقیت طلبی زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه معنادار مثبت و قوی وجود دارد، یعنی با افزایش موفقیت طلبی در زنان، تمایل آنها به کارآفرینی آنها هم افزایش می یابد.

فرضیه سوم: بین شیوه رهبری زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با $-0/022$ و $0/021$ و سطح معناداری به ترتیب $0/792$ و $0/800$ می باشد و چون سطح معناداری بزرگتر از سطح معناداری $0/05$ می باشد پس بنابراین بین دو متغیر رابطه وجود ندارد.

فرضیه چهارم: بین مردم گرایی زنان تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.



با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با $0/279$ و $0/215$ و سطح معناداری هر کدام $0/000$ (کمتر از $0/05$) محاسبه شده است. پس می توان نتیجه گرفت، که بین مردم گرایی با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه معنادار مثبت و قوی وجود دارد، یعنی با افزایش مردم گرایی زنان، تمایل آنها به کارآفرینی هم افزایش می یابد.

فرضیه پنجم: بین آینده نگری زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با $0/108$ و $0/071$ و سطح معناداری به ترتیب $0/184$ و $0/386$ (بزرگتر از $0/05$) محاسبه شده است. پس می توان نتیجه گرفت بین آینده نگری با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود ندارد. ولی به طور نسبی رابطه مثبت و ضعیفی وجود دارد.

فرضیه ششم: بین ریسک پذیری زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با $0/368$ و $0/328$ و سطح معناداری هر کدام $0/000$ (کمتر از $0/05$) محاسبه شده است. پس می توان نتیجه گرفت بین ریسک پذیری زنان با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه معنادار مثبت و قوی وجود دارد. یعنی با افزایش ریسک در زنان تمایل آنها به کارآفرینی در آنها افزایش خواهد یافت.

فرضیه هفتم: بین ترس از موفقیت با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر فوق به ترتیب برابر با $0/156$ و $0/080$ و سطح معناداری به ترتیب $0/054$ و $0/323$ (بزرگتر از $0/05$) محاسبه شده است. پس می توان نتیجه گرفت بین ترس از موفقیت با تمایل آنها به کارآفرینی رابطه وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری



محاسبات آماری نشان می دهد که رابطه معنادار مثبت و قوی بین اعتماد به نفس زنان با کارآفرینی وجود دارد. یعنی هر چه اعتماد به نفس در زنان بیشتر باشد می تواند بر روی کارآفرینی آنها تأثیر داشته باشد و کارآفرینی را افزایش دهد. تحقیقات نشان می دهد که افراد دارای اعتماد به نفس خود را مهم، معنی دار و ارزشمند می دانند. این پژوهش با تحقیقات دکتر نمکی و خانم اریتسن و خانم بییر که دریافتند اعتماد به نفس زنان نسبت به مردان کمتر است (صمدآقایی، ۱۳۷۸). و این خود می تواند منجر به کاهش کارآفرینی گردد، همخوانی دارد.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می دهد که، ارتباط معنادار مثبت بین موفقیت طلبی زنان با تمایل آنها به کارآفرینی وجود دارد، یعنی زنانی که دارای انگیزه توفیق طلبی و موفقیت می باشند بر روی کارآفرینی آنها تأثیر گذاشته و کارآفرینی آنان افزایش خواهد یافت. همچنین با تحقیقات دکتر نمکی و دیگران که معتقدند که زنان بیشتر به وابستگی احتیاج دارند تا به پیشرفت، تحقیقات آنها نشان داد که نیاز به پیشرفت و توفیق مدیران زن همتراز مدیران مرد است ولی نیاز به پیشرفت زنان کارآفرین بیشتر از زنان مدیر است؛ مطابقت می کند.

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بین شیوه رهبری زنان با کارآفرینی رابطه وجود ندارد. تحقیقات دکتر نمکی و دیگران نشان داد علی رغم اعتقاد قبلی که بیانگر اختلاف روش رهبری مردان و زنان بود، یعنی مردان بیشتر رهبر وظیفه گرا و زنان بیشتر رهبر فردگرا شناخته می شدند، نتیجه تحقیقات امروزه که زیاد با هم سازگار نیستند، نشان می دهد که رهبری مردان و زنان کمی با هم فرق دارد ولی نه در همه موارد، بلکه فقط در سبک رهبری.

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که ارتباط معنادار مثبت بین مردم گرایی زنان با کارآفرینی وجود دارد. یعنی هر چه زنان به مردم گرایی تمایل داشته باشند، کارآفرینی در آنها افزایش خواهد یافت. در تحقیق دکتر نمکی و دیگران نشان دادند که خانم ها برعکس آقایان به مردم به چشم وسیله ای برای رسیدن به هدف نگاه نمی کنند و نیز برعکس مردان نمی توانند نقش خودشان را به عنوان یک شخصیت و یک کارمند به روشنی تقسیم و مجزا کنند؛ بنابراین، نسبت به بازخورهای منفی آن طور که آقایان به راحتی واکنش نشان می دهند خانم ها از خود عکس العمل بروز نمی دهند.



نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، بین آینده‌نگری با کارآفرینی رابطه وجود ندارد ولی به طور نسبی رابطه مثبت و ضعیفی وجود دارد و همچنین با تحقیقات دکتر نمکی و دیگران مبنی بر اینکه مردان بیش از زنان آینده‌گرا هستند و کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشابه است.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که ارتباط معناداری مثبت بین ریسک‌پذیری زنان با کارآفرینی وجود دارد. هر چه زنان به ریسک‌پذیری تمایل داشته باشند کارآفرینی آنها را نیز افزایش خواهد یافت. و همچنین با تحقیقات دکتر نمکی و دیگران که نشان دادند که ریسک‌پذیری در زنان کمتر از مردان است و کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مطابقت می‌کند.

نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان داد که بین ترس از موفقیت زنان با کارآفرینی رابطه وجود ندارد. یعنی ترس از موفقیت در زنان بر روی کارآفرینی آنها تأثیر گذاشته و کارآفرینی آنها را کاهش می‌دهد و با تحقیقات دکتر نمکی و دیگران که نشان داد که ترس از موفقیت نه تنها در مورد همه زنان صدق نمی‌کند بلکه در بعضی از مردان نیز ترس از موفقیت وجود دارد، همین امر کارآفرینی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صمدآقایی، ۱۳۷۸). همچنین پالودی در ۶۴ تحقیقی که بررسی نمود ترس از موفقیت را در مردان با متوسط ۴۵٪ و در زنان با متوسط ۴۹٪ گزارش نمود، مشابه است.

منابع

- پیرمرادی، نرگس. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی کارکنان و تعارض سازمانی (بین فردی) در سازمان‌های دولتی شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان.
- حافظ شهرباف، راضیه و حسینیان، سیمین. (۱۳۸۵). مقایسه ویژگی‌های شخصیت زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مشهد و ارتباط با این ویژگی‌ها با رضامندی زناشویی، تازه و پژوهش‌های مشاوره، شماره ۶ و ۵، صص ۷۳-۸۹.
- دلاور، علی. (۱۳۷۵). احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات رشد.



- راس، آلن. (۱۳۷۳). روانشناسی شخصیت نظریه ها و فرایندها. (ترجمه سیاوش جمالفرد). تهران: انتشارات بعثت.
- شاه حسینی، علی. (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران: آبیژ.
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۵). انگیزه پیشرفت در زنان: بررسی پژوهش ها در نیم قرن اخیر. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره یازدهم، شماره های اول و دوم، دانشگاه تربیت معلم.
- صمد آقایی، جلیل. (۱۳۷۸). سازمان های کارآفرین. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ دوم.
- علم خانی، ناهید. (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک مدیریت تضاد کارکنان با افسردگی در سازمان های دولتی شهر کرمان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.
- قربانی، الیاس. (۱۳۸۲). بررسی رابطه ی بین ویژگی های شخصیتی (درونگرایی - برونگرایی) با تعهد سازمانی و رضایت شغلی دبیران دوره راهنمایی نواحی چهارگانه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- مشبکی، اصغر. (۱۳۸۰). مدیریت رفتار سازمانی تحلیل کاربردی ارزشی از رفتار سازمانی. تهران: نشر ترمه.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۱). ارزیابی رویکرد شخصیتی، خصیصه ای برای سنجش کارآفرینی. فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۱۵، صص ۸۶-۹۱.
- Atkinson, J. ed. (1958). *Motives in Fantasy, Action and society*. Princeton, N. J: Van Nostrand.
- Steward, A. J. and Chester, N. L. (1982). *Sex Differences in Human social Motives: Achievement, Affiliation and Power*. In A. J. Stewart, ed. *Motivation and society*, san Francisco: Jossey – Bass, pp. 172-218.
- Paludi, M. A. (1984). *Psychometric properties and underlying As-sumptions of Four objective Measures of fear of success, sex Roles*. 10. pp. 765-81.